

پاسخ نامه آیین دادرسی مدنی

سوال 21 

طبق ماده ۴۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی، تجدید مهلت قانونی برای اعتراض به حکم غیابی، تجدیدنظرخواهی، فرجام‌خواهی و اعاده دادرسی ممنوع است، مگر در مواردی که قانون صراحتاً اجازه داده باشد. بنابراین دادگاه هیچ اختیاری برای تمدید مهلت ندارد و هر گونه اقدام خلاف این ماده معتبر نیست.

مستند: ماده ۴۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی.

سوال 22 

طبق ماده ۴۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی، در معاملات و قراردادهای بین اتباع ایرانی و خارجی، شرط شده باشد که حل اختلاف به داور یا هیاتی با تابعیت طرف

خارجی ارجاع شود، این شرط برخلاف قانون است و باطل و بلااثر است. با این حال، سایر مفاد قرارداد که مخالف این منع قانونی نیست، معتبر و لازم‌الاجرا باقی می‌ماند. بنابراین تنها بند داوری مشخص شده باطل است، نه کل قرارداد.

سوال 23

طبق ماده ۴۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی، در صورت فقدان تراضی طرفین برای تعیین داور، دادگاه صلاحیت‌دار برای رسیدگی به اصل دعوا، داور را تعیین می‌کند.

سوال 24

مطابق ماده ۴۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی، اگر داور معین شده نخواهد یا نتواند به اختلاف رسیدگی کند و

طرفین داور جایگزین توافق نکنند، رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دادگاه قرار می‌گیرد. بنابراین در مثال فوق، دادگاه صالح باید اختلاف علی و رضا را بررسی کند.

سوال 25

طبق ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی، دادگاه نمی‌تواند اشخاصی که سنشان کمتر از ۲۵ سال است، یا در دعوا ذی‌نفع‌اند، یا دارای قرابت نسبی/سببی خاص با اصحاب دعوا هستند، یا قیم، کفیل، وکیل یا مباشر امور آنان هستند را به عنوان داور تعیین کند مگر با تراضی طرفین.

در مثال، چون فرد ۲۳ ساله کمتر از ۲۵ سال دارد، دادگاه بدون رضایت طرفین حق ندارد او را به عنوان داور برگزیند.

سوال 26

ماده ۴۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی به طور صریح

مقرر می‌کند:

«کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی نمی‌توانند دآوری نمایند هرچند با تراضی طرفین باشد.»

بنابراین ممنوعیت مطلق است و حتی توافق و تراضی طرفین نیز این منع قانونی را برنمی‌دارد.

مستند: ماده ۴۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی

سوال 27 

مطابق ماده ۴۷۲ قانون آیین دادرسی مدنی: «بعد از تعیین داور یا داوران، طرفین حق عزل آنان را ندارند مگر با تراضی.»
بنابراین تراضی دو طرف شرط عزل است و هیچ یک از طرفین به تنهایی حق عزل داور را ندارد.

سوال 28 

بر اساس ماده ۴۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی، شخص

ثالثی که جلب یا وارد دعوا شده، می‌تواند با تراضی طرفین دعوای اصلی در ارجاع امر به داوری شرکت کند. اما اگر تراضی حاصل نشود، دعوای او مستقل و طبق مقررات دادگاه رسیدگی می‌شود.

سوال 29

طبق ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی، داوران برخلاف دادگاه‌ها ملزم به رعایت تشریفات کامل قانون آیین دادرسی مدنی نیستند، اما باید مقررات خاص داوری (مانند شرایط انتخاب، مهلت داوری، موارد رد، و نحوه صدور رأی داور) را رعایت کنند.

سوال 30

طبق ماده ۴۷۸ ق.آ.د.م، داوران در دو حالت مکلف به توقف رسیدگی هستند:

۱. وقتی که موضوع جرم در رسیدگی کشف شود و این موضوع در رأی مؤثر بوده و تفکیک امر مدنی از

جزایی ممکن نباشد.

۲. وقتی که دعوا مربوط به نکاح، طلاق یا نسب باشد و اختلاف مطروحه در داوری متوقف بر رسیدگی به اصل این امور توسط دادگاه باشد.

در این موارد، ادامه داوری باید تا صدور حکم نهایی دادگاه صالح متوقف بماند.

مستند: ماده ۴۷۸ قانون آیین دادرسی مدنی

سوال 31 

طبق ماده ۴۸۱ قانون آیین دادرسی مدنی، موارد از بین رفتن داوری عبارت‌اند از:

1. تراضی کتبی طرفین دعوا.

2. فوت یا حجر یکی از طرفین دعوا.

✗ اما فوت یا حجر داور جزو این موارد نیست. در این حالت باید داور دیگری جایگزین بشود، نه اینکه داوری کلاً از بین برود.

✓ سوال 32

طبق ماده ۴۸۶ قانون آیین دادرسی مدنی: «هرگاه طرفین رای داور را به اتفاق به طور کلی یا قسمتی از آن رد کنند، آن رای در قسمت مردود بلااثر خواهد بود.» در این مثال، طرفین بخش دوم رای را به اتفاق رد کرده‌اند، بنابراین آن بخش بلااثر است. اما بخش اول که مورد پذیرش طرفین است، معتبر و لازم‌الاجرا باقی می‌ماند

✓ سوال 33

طبق ماده ۴۸۸ قانون آیین دادرسی مدنی، اگر محکوم علیه تا بیست روز پس از ابلاغ رای داور را اجرا نکند،

طرف ذی نفع (در این مثال سارا) می تواند از دادگاه ارجاع کننده یا دادگاه صالح برای رسیدگی به اصل دعوا درخواست صدور برگ اجرایی کند. سپس اجرای رای طبق مقررات قانونی انجام می شود. بنابراین، دادگاه وظیفه دارد برای اجرای رای داور اقدام کند.

سوال 34

طبق ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی، اگر داور نسبت به مطلبی که موضوع داوری نبوده رای صادر کند، فقط آن قسمت از رای که خارج از موضوع داوری است باطل می شود و بقیه رای معتبر و قابل اجراست. بنابراین لازم نیست کل رای ابطال شود، و اجرای قسمت معتبر مطابق مقررات قانونی ادامه می یابد.

سوال 35

مطابق ماده ۵۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی، شخص معسر کسی است که به واسطه عدم کفایت دارایی یا

عدم دسترسی موقت به مال خود قادر به پرداخت هزینه دادرسی نیست. در این صورت، وی معسر شناخته شده و پرداخت هزینه دادرسی به تعویق می افتد تا زمانی که امکان پرداخت فراهم شود.

سوال 36

طبق ماده ۵۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی، اگر هر یک از طرفین هم محکوم له و هم محکوم علیه باشند و مبلغ خسارتها برابر باشد، دادگاه به حکم تهاثر عمل می کند، یعنی هیچ یک از طرفین نیاز به پرداخت مبلغ اضافی ندارند. در صورتی که خسارتها برابر نبود، به نسبت اضافه حکم صادر می شود.

سوال 37

طبق ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی، اگر محکوم علیه تا ۳۰ روز از ابلاغ اجرائیه دعوی اعسار

خود را مطرح کند و صورت کلی اموال خود را ارائه دهد، حبس اعمال نمی‌شود. فقط در صورتی که دعوی اعسار مسترد شود یا به حکم قطعی رد شود، امکان حبس وجود دارد. در این مثال، حسن ظرف ۲۰ روز دعوی اعسار خود را اقامه کرده، بنابراین مشمول حبس نخواهد شد.

سوال 38

طبق ماده ۷ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی:

اگر وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملالت داشته باشد یا وی مالی دریافت کرده باشد، اثبات اعسار بر عهده مدیون است.

مدیون تنها در صورتی می‌تواند اعسار خود را ثابت کند که نشان دهد مالی که در عوض دین دریافت کرده، تلف حقیقی یا حکمی شده است.

در صورتی که مدیون مالی دریافت نکرده باشد یا نتوان ملائت فعلی یا سابق او ثابت شود، ادعای اعسار با سوگند مطابق قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می‌شود.

در مثال فوق، رضا مالی دریافت کرده، پس اثبات اعسار بر عهده اوست و باید ثابت کند آن مال تلف شده است تا دعوی او پذیرفته شود.

سوال 39

طبق ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی:

اعسار از تجار و اشخاص حقوقی پذیرفته نمی‌شود.

این اشخاص در صورتی که مدعی عدم توانایی مالی باشند، باید رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند.

تبصره ماده تصریح می‌کند که اگر چنین دادخواستی از سوی آنان ارائه شود، دادگاه بدون اخطار به خواهان، قرار رد دادخواست اعسار صادر می‌کند.

بنابراین، هم شرکت الف (شخص حقوقی) و هم آقای ب (تاجر) نمی‌توانند از مسیر اعسار اقدام کنند و باید مسیر ورشکستگی را دنبال کنند.

سوال 40

طبق ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی:

۱. انتقال مال با انگیزه فرار از ادای دین و در صورتی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد، موجب حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم‌به یا هر دو مجازات می‌شود.

2. اگر منتقل‌الیه نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد، در حکم شریک جرم است.

3. در این صورت عین مال منتقل‌شده یا در صورت تلف، مثل یا قیمت آن از اموال انتقال‌گیرنده به عنوان جریمه اخذ و محکوم‌به از محل آن استیفاء می‌شود.

بنابراین، هم آقای الف و هم آقای ب طبق ماده ۲۱ مسئولیت کیفری دارند و مال منتقل‌شده قابل استیفاء است.